رسالة المفيد در تجوید عربی است از حسن بن شیخ لوتنی





کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب رساله در بیان مخارج و صفات حروف — فارسی

مؤلف ~~مصنف~~ بدست نیامد و پس از این ۳ رساله است

خطی چاپی نستعلیق بطور جلی نوشته شده دارای حاشیه

سال ~~طبع~~ یا تحریر — عدد اوراق ۸

جزء کتب تجوید شماره ۶۵

شماره عمومی ۳۰۰۸۱ شماره قبض

واقف میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱

طول ۲۰.۳ عرض ۱۲.۶ سانتیمتر قفسه

~~مفید التجوید و رساله در اختلافات ابا قرائت~~

ترجمة العقاید ۶۰۵۰ ص ۷ تا ۱۵ — (۴۰۵) خ

۶۰۴۹ ع ص ۲ تا ۶ — ۸۶ خ

رساله در اختلافات هجائی ۶۲ خ ۸۸۰۹ ع ص ۳






نام کتاب: مفید التجوید

مؤلف متن: تونی، حسن بن شجاع — محشی

شارح ——— مترجم ———

تاریخ تحریر ——— نوع خط: نستعلیق مورب — تعداد سطر: —

جزء کتب: تجوید — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۲ صفحه

طول: ۴۳ — عرض: ۲۶ — شماره عمومی: ۶۰۴۹

وقفی / خریداری: میرزا رضاخان نائینی — تاریخ وقف / خریداری: مرداد ۱۳۱۱

ملاحظات: آغاز: «بسمله، حمدله... اما بعد چونکه قراء سبعه را در اصول»

مذیل به رساله «بیان الوقف» در ۱۵ بیت

---

مخارج حروف

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین ...

رساله در علم تجوید

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والسلام علی

سید المرسلین و عترة الطاهرین اما بعد چونکه قراء سبعه را در اصول قراءة چون احکام اربعه نون ساکنه و تنوین و بعضی از مدات و ادغامات و تفخیم و ترقیق راءات

ولامات اتفاق بود و درین باب فصل چند علی وجه الاختصار در قید کتابت آورده شد و نام وی مفید التجوید نهاده و بالله التوفیق والعصمة

فصل بدان اسعدک الله که نون ساکنه و تنوین را پیش حروف حلق اظهار باید کردن و حروف حلق شش است یجمعها اخ خغعه و صورة اظهار چون

ینأون و من خیر اذ کانوا فسینغضون و عفو غفور و انحر و نار حامیة والمنخنقة و ...

خاشعة انعمت و خاشعة عاملة و منهم و جرف هار و ما اشبهها و اگر پیش

حروف یرملون آید در کلمتین ادغام باید کردن بی غنه بخلاف در لام

و را و با غنه بخلاف در میم و نون اما در واو و یا

خلاف است خلف از حمزه ادغام بکند

بی غنه

... شش است اول صفیر و آن خاصه ... سین و زای صفیر یعنی که در وقت ... و مراد ... آوازی

... دوم قلقله است و در لغت جنبانیدن مخرج حروف

... و حروف وی پنج است مجموع در قطب جد و اشارۀ حروف قلقله از برای آن گویند که در حالت سکون مخرج

ایشان بجنبد و متزلزل شود سیم لین است و لین نرمیست و حروف وی دو است واو و یای ساکن ماقبل مفتوح و آن دو حرف لین

ازبرای آن گویند که در تلفظ با ایشان آواز نرمی تمام حاصل شود چهارم انحراف است و انحراف در لغت میل کردنست و حروف وی لام و راست و اشارا

منحرفه از جهة آن گویند که در تکلم ایشان از مخرج خود میل بجانب زبان کنند بالجمله اگر نه زبان بجانب درون کام میل کند پنجم تفشی است و تفشی بین شین

و تفشی شین است و حروف وی شین است ... و اتصاف وی بین صفة از جهة آنست که در مخرج پراکنده و پهن میشود تا غایتی که بمخرج ظا میرسد ششم

استطاله است طلب درازی کردنست و حروف وی ضاد است و اتصاف وی بین صفة از جهة آنست که در مخرج دراز میشود تا غایتی که بمخرج لام میرسد

در گفتن درازی دارد و تلفظ بوی مشقت تمام دارد

[illegible]

ضر الجنت میان
بهشت و دوزخ پس هر کرا شفاعت بکند دوزخی فهم
از مؤمنان گناهکار نجات می یابد و هر کرا شفاعت بکند در قیامت هر کرا خواهد
در دوزخ برزخی گفت هر که در دنیا درکند و از بندگان خدا در گذرد و در قیامت هر کرا بخواهد و هر کرا بکی
ملت دهد او را آنجا مهلت دهند و هر که با دنیا از حق خود از بندگان خدا در خواهد انجام آرزو بخواهند و هر که
بخت کرد و آنجا آرزو بخت کند انما اعمالکم ترد الیکم فالم تو امکارم الاخلاق فان الله عند اعمالکم بما عالم عباده
و دوزخ و شفاعت و حوض بهشت و دوزخ مرد و حالا موجود ند و پیچکس از دنیا بیرون نیرود و مگر آنکه جای خود را در یکی از ین دو جای ببیند و بهشت جای
بقا و هستی ابدیست نه مرگ در اوست و نه بیماری و نه آفت و نه عیب و نه غم و نه بیم و نه حاجت و نه افلاس و نه رنج و نه تعب و نه ملال لا یمسنا فیها نصب
و لا یمسنا فیها لغوب بلکه محل غنا و سعادتست و دار مقامت و کرامت و خوشی و کامرانی لا خوف علیهم و لا هم یحزنون هرچه دولت آرزو کنند فی الحال
حاضر کردند و هر که بهشت نیکی و هر که را صحبت محظوظ باشی در ساعت نزد تو باشد نی آنکه از دیگری باز ماند یا دیگری از او بلکه در یکحال یک کس با چند تن
کس صحبت تواند داشت و همه متوجه تو باشند و بی مزاحمت اخوانا علی سرر متقابلین انتظار و آزار و هجران و فقدان و حرمان آنجا نیست و هر که هر چه خواهد
بقدر همت او را ارزانیست و لکم فیها ما تشتهی الانفس و تلذ الاعین و انتم فیها خالدون حافظ تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس بقدر همت اوست
و شیخ حور و غلمان و لؤلؤ و مرجان و بسیار لذات و انواع تنعمات بهشت از لباسهای دیبا و اطلس که از آن ساده رنگارنگی آنکه آنجا از و همه کس در انجا دریس می بینیم
باشند خوش قد و پرمه روی و صاحب حسن و خوش چشم روز بروز حسن ایشان زیاده کرده و هیچکاه در ونان لذت بکند و بوی و غاط
فضله ایشان بعرق دارد که بوی آن به از بوی مشک باشد و فع شود و بهشت را هشت در باشد و سعت
هر دری چهارصد ساله راه و آن جای مومنانست که گناه کرده بکرده باشد و بیکرده باشند
و از آن توبه کرده و تا بمرده و با توبه نکرده کشیده باشد الا من لاک العمر دعا
دریافته باشد یا رحمت الهی رسیده و جنها کار آورده ان
با را بهشت وری او زید

[illegible]